



نهضت آزادی ایران

۱۳۴۰

هشدار بازگشت طالبان و طالبانیسم در افغانستان

بیانیه نهضت آزادی ایران

بسمه تعالی

در پی خروج نابهنگام نیروهای آمریکایی از افغانستان پس از دو دهه، و تحولات نظامی و سیاسی اخیر در آن کشور و نیز مذاکرات رسمی دولت ایران با نمایندگان طالبان، نگاهی راهبردی و انتقادی بر این مجموعه رخدادها ضرورت دارد. پیامدهای قابل پیش‌بینی حضور مجدد گروه طالبان در قدرت، با توجه به سابقه ناخوشایندی که از گذشته رقم زده‌اند و جنایات و مظلومی که این روزها از جانب این گروه تروریستی و جنگ‌طلب بر شهروندان افغانستان، به ویژه زنان و کودکان، روا داشته می‌شود، و نیز مخاطراتی که برای امنیت ملی ایران پیش‌بینی می‌شود، دلایل دیگری هستند که توجه و حساسیت دولت، جامعه مدنی ایران و روشنفکران مسئول را می‌طلبد.

نگاهی سریع به تاریخ افغانستان و پیدایش طالبان به تحلیل و شناخت صحیح‌تر وضع کنونی کمک می‌کند. این کشور پس از استقلال از ایران در قرن ۱۹ میلادی دارای نظام پادشاهی شد ولی در ۱۹۷۳ میلادی در پی کودتای محمد داودخان، نظام پادشاهی برچیده و جمهوری افغانستان تاسیس شد. در ۱۹۷۸ میلادی با برکناری محمد داودخان، جمهوری دموکراتیک افغانستان با مرام کمونیستی و پشتیبانی اتحاد جماهیر شوروی شکل گرفت. سپس، با اشغال آن کشور از سوی ارتش سرخ شوروی در دهه ۸۰ میلادی، نیروهای ضد کمونیست موسوم به «مجاهدین» سربر آوردند و به پیکار علیه ارتش اشغالگر و دولت دست‌نشانده آن پرداختند. در آن شرایط تاریخی و متأثر از فضای جاری جنگ سرد، آمریکا و متحدان منطقه‌ای آن، همچون کشورهای حاشیه خلیج فارس و نیز پاکستان بر آن شدند که از گسترش حوزه نفوذ شوروی در منطقه

جلوگیری کنند و از این رو، از مجاهدین ضدکمونیست در افغانستان حمایت نظامی، مالی و تبلیغاتی کردند.

شوربختانه، رقابت‌ها و اختلافات میان نیروهای مجاهد افغان باعث ضعیف شدن آنها شد و فرقه طالبان با استفاده از فرصت، بر افغانستان تسلط یافت و حکومتی خشن و جنایتکار تشکیل داد. پس از حوادث ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱، طالبان به اتهام پناه دادن به رهبران «القاعده» مورد حمله «ائتلاف نظامی» به رهبری آمریکا قرار گرفت و حاکمیت استبداد دینی پنج ساله طالبان در افغانستان برچیده شد. اما آنان جریانی نبودند که از ستیز و جنگ و به تعبیر خودساخته «جهاد» دست بردارند، زیرا اهداف و انگیزه‌هایی که موجب شکل‌گیری و قدرت‌یابی آنها شده بود، هم چنان مطرح است. ضرورت تمرکز عناصر تندروی مذهبی و فرقه‌ای کشورهای مسلمان در یک منطقه و کشور خاص - افغانستان - و کاهش مزاحمت آنان برای کشورهای مبدأ تنها یکی از این دلایل است. امروزه، گروه طالبان با حمایت پایدار و همه‌جانبه برخی کشورها، به ویژه عربستان و پاکستان، به نیروی نظامی مهاجمی تبدیل شده است که تقریباً کنترل‌ناپذیر می‌نماید.

طالبان عقاید مذهبی افراطی دارند و در همه سال‌های فعالیت و مبارزه قهرآمیزشان عمدتاً مسلمانان را قربانی کرده‌اند و از قواعد بین‌المللی جنگ و عملیات نظامی پیروی نمی‌کنند. آنان به مراکز غیرنظامی حمله‌ور می‌شوند و کودکان، زنان و شهروندان بی‌گناه، بیشترین قربانیان حمله‌ها هستند. برخلاف ادعای مسلمانی، جنبش افراطی طالبان و عقاید خرافی و تبعیض‌آمیز آنان تناسبی با آموزه‌های عدالت‌خواهانه و آزادمنشانه اسلام و قرآن ندارد. آنان با آموزش زنان و دختران مخالفند و به مدارس و مراکز آموزشی حمله می‌کنند، مخالف سرسخت آزادی بیان و رسانه‌های مستقل هستند، به «دموکراسی» و «انتخابات آزاد» عقیده‌ای ندارند، به «تکفیر» باور دارند و نام نظام خودخوانده «امارت اسلامی افغانستان» را برای حکومت‌شان برگزیده‌اند که آشکارا به معنای تجدید حیات خلافت‌های تاریخی و مادام‌العمر عناصر فرقه‌ای و عدم پاسخگویی به الزامات زندگی شهروندی در جهان معاصر است.

از سوی دیگر، برخلاف نظر برخی از مقامات و نهادهای محافظه‌کار که طالبان امروز را متفاوت با طالبان ۲۰ سال پیش تصور و اعلام کرده‌اند، عهدشکنی‌ها و رفتارهای وحشیانه آنان پس از خروج غیرمسئولانه نیروهای ائتلاف از افغانستان نشان داده است که به ادعای تغییر رویکردها و روش‌های طالبانی و دستیابی به تفاهم و صلح در افغانستان نمی‌توان خوش‌بین و امیدوار بود و آن انگیزه را، مجوزی برای «مذاکره» و «رسمیت بخشیدن» تلویحی به این جریان ضدصلح قرار دارد.

نهضت آزادی ایران از آن رو با مشی و مرام طالبان مخالف است که این فرقه، خشونت و خونریزی را با صراحت تقدیس می‌کند و جنگ بی‌رحمانه با شهروندان بی‌دفاع را جهاد می‌نامد! به طور کلی، هر گروهی که برای دستیابی به اهداف سیاسی اقدام به جنگ و ترور و حملات انتحاری علیه غیرنظامیان کند، سزاوار

طرد و تعقیب و مجازات است. حمایت و ارتباط با گروه‌هایی مانند طالبان با قانون اساسی ایران نیز تعارض دارد. در مقدمه قانون اساسی گسترش ارتباط و حمایت از «جنبش‌های اسلامی و مردمی» تصریح شده است که صفات یاد شده البته در وصف طالبان مصداق ندارد.

نهضت آزادی ایران خواهان شفافیت در هر گونه تماس و توافقات احتمالی جمهوری اسلامی ایران با این گروه است و انتظار دارد که ابعاد و کیفیت روابط با آن، به نحو شایسته به ملت ایران گزارش شود تا محدودیت‌ها و تنگناهای بیشتری در آینده برای منافع ملی فراهم نشود. در این میان، پیشروی‌های اخیر طالبان و موفقیت‌های نظامی آنان به مذاق نظام‌های اقتدارگرای منطقه خوش می‌آید، زیرا چشم‌اندازی از بسط اقتدارگرایی و تضعیف روند دموکراسی‌خواهی ملل منطقه را تصویر می‌کند. برخی از کشورهای حوزه خلیج فارس به رهبری عربستان، و نیز روسیه، چین و پاکستان، از روی کارآمدن یک نظام استبدادی و تمرکزگرا در افغانستان حمایت می‌کنند، زیرا این دولت‌ها پدید آمدن و گسترش جنبش‌های مستقل دموکراسی‌خواه و مدافع حقوق بشر را بر نمی‌تابند. سلطه دوباره طالبان بر افغانستان لکه سیاهی بر کارنامه دولت‌های اسلامی در جهان معاصر و نیز مایه شرمساری جامعه جهانی، سازمان ملل و همه سازمان‌های مدنی و افراد و احزابی خواهد بود که امکان توقف این فاجعه را داشته ولی اقدام و تلاشی در این باره نمی‌کنند.

نهضت آزادی ایران باور دارد که منافع ملی ما اقتضا می‌کند که ایران همواره از نیروها و ائتلاف‌های ترقی‌خواه، دموکراسی‌طلب و مروجان صلح و آزادی حمایت کند. این رویکرد در شأن فرهنگ و تمدن دیرپای ایرانی و اسلامی است و به اعتلای سیمای بین‌المللی و منطقه‌ای ایران کمک خواهد کرد. هر جنبش سیاسی یا حکومتی که بر اهداف و قرائت‌های فرقه‌گرایانه و افراطی استوار باشد، برای ایران و دیگر کشورهای همسایه در منطقه زیان‌آور است و در بلندمدت، محل امنیت و ثبات منطقه خواهد بود.

نهضت آزادی ایران بر پایه منافع ملی اعلام می‌کند که حکومت ایران همه توان و اعتبارش را برای صلح در افغانستان به کار گیرد تا به این جنایات و برادر کشی‌ها پایان داده شود. طالبان که امروز در افغانستان به فراخوان‌های مکرر دولت قانونی کشور به مذاکره و صلح اعتنا ندارند، احتمالاً به توافقات و تعهدات پشت پرده با هر طرف دیگر، از جمله ایران نیز پایبند نخواهند بود.

نهضت آزادی ایران در آستانه عزاداری‌های عاشورا و بر اساس شعار «کل یوم عاشورا کل ارض کربلا» اعلام می‌کند که جنایات طالبان در افغانستان، صحنه واقعی نسل‌کشی، جنایت علیه بشریت و در یک کلام، عرصه نبرد «مظلوم» و «ستمگر» و نمونه‌ای از تکرار مصیبت‌ها و ستم‌هایی است که در کربلا پدید آمد و استمدادهایی که همچنان بی‌جواب مانده است، از این رو، به ویژه از عالمان دینی و مراکز اسلامی مستقل و صلح‌طلب انتظار دارد که با صدور بیانیه‌ها و اعلام مواضع روشن، هر نوع خشونت، فرقه‌گرایی و افراطی‌گری در زیر لوای دین را صریحاً محکوم کرده، دامن شریعت اسلام را از استبداد، نفرت‌پراکنی و خرافات مبرا

کنند. مراجع و مفتیان سنت‌گرا که گاه برای اموری فرعی، فتوای تحریم و تکفیر، یا تایید و تصویب صادر می‌کنند، اینک روا نیست که در برابر زوال جان و مال و میراث مردمی مظلوم و محروم سکوت اختیار کرده، به «تدریس» و «وعظ» بسنده کنند. هر کس که امروز در برابر جنایات طالبان، «بی‌تفاوتی» و «سکوت» گزیند، فردا در پیشگاه تاریخ و افکار عمومی جهان به همدستی و حمایت از آنان متهم خواهد شد.

نهضت آزادی ایران هشدار می‌دهد که پیروزی نظامی و سیاسی طالبان، نفوذ تفکر جهادی و تکفیری و رشد طالبانیسم در همسایگی مرزهای ایران، زمینه‌ساز نقض تمامیت ارضی، رشد فرقه‌گرایی و تهدیدی علیه امنیت ملی ایران و موجب نفی صلح و گسترش جنگ‌افروزی در خاورمیانه خواهد بود. از این رو، بر اساس منافع ملی و باورهای دینی ناشی از آموزه‌های عقلانی و رحمانی قرآن کریم باور دارد که جمهوری اسلامی ایران و سایر دولت‌های منطقه وظیفه دارند ضمن اعلام موضع آشکار در قبال جنایات انسانی و تنگ‌نظری‌های مذهبی طالبان و به رسمیت نشناختن آن در مقام دولتی رسمی در افغانستان، در قبال این تهدید عظیم مسئولانه رفتار کنند و مانع تشدید اوضاع شوند.

نهضت آزادی ایران

۲۳ مرداد ۱۴۰۰